پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دوم سال دوم دوشنبه ۱۱ حمل ۱۳۴۸ ـ ۳۱ مارچ ۶۹ (شماره مسلسل ۵۴)

روش ستمگرانه در برابر کارگران

نجیب پروژهٔ استخراج وانتقال گاز

پروژهٔ استخراج و انتقال گاز که یکجا باآغاز بهره برداری از گاز ساحهٔ شبرغان ایجاد گردید، یکی ازآن پروژه های باثمر و مفیدی‌است که عواید آن به تنهائی از ناحیهٔ صدور گاز رقم درشتی را تشکیل میدهد ومقام دوم رادرعواید اسعاری دولت احراز مینماید.

ولی باکمال تأسف عوض آنکه کارگران مربوط از رفاهیت بیشتری بر خوردار میگردیدند، تحت تضقیقات غیر انسانی قرار دارند و در اثر تحریکات محافل ارتجاعی داخلی و خارجی، دربن پروژه که مستلزم دقت بیشتری‌میباشد، عمداً کارشکنی می‌گردد که یکی از مظاهر آن‌گماشتن عاملین ارتجاع سیا در رأس پروژه است.

اکنون فضای وحشت و اختناق بر پروژهٔ استخراج و انتقال گاز شبرغان مستولی گردیده است. به سلسلهٔ حبس‌ها، دسایس و اخراج‌ها که در مورد کارگران آن پروژه صورت گرفت، تضییقات وسیع وتعقیبات ننگینی ادامه دارد که‌نظیر آنرا نمیتوان درجای دیگری پیداکرد.

تفتیش عقاید بطور بسیار فجیع آن بالای کارگران بعمل میآید. آنان اجازهٔ مطالعهٔ هیچ کتاب و نشریه‌ایرا ندارند، خاصتاً اگر کدام شماره‌ئی ازجراید (بخصوص پرچم) نزدکارگری دیده شود، هرگز بخشوده نمیشود. چه چنین‌امری‌نزد آمر مستبد وقانون شکن پروژه گناه (!) تلقی میگردد. صحبت‌راجع به کارگران و حقوق ایشان جرم شمرده میشود و بخاطر اینکه همچو صحبتها صورت نگیرد، گروهی از جواسیس را میان کارگران پراگنده‌اند تا کارگران دارندهٔ حد اقل‌شعور تشخیص و در «لست سیاه» شامل گردیده و بمقام صلاحیتدار پروژه معرفی شوند. این مقام‌صلاحیتدار(!) که سمبول ارتجاع سیاست، چنین کارگران را بلادرنگ اخراج ورسماً بحیث «اشخاص نامطلوب» به‌حامیان مرتجع خویش معرفی مینماید.

کارگران پس از انجام کارروزانه درکمپ (محل اقامت شان که به بازداشتگاه بیشتر شباهت دارد) عملا بحیث زندانی ها بسرمی‌برند. آنان حق ندارند بانزدیکترین اقارب حتی پدر وبرادر شان در داخل‌کمپ تماس بگیرند. کار گران در برابر کوچکترین حرکت بافحش، تهدید، تحقیر و روشهای ضد کرامت‌بشری روبرو میشوند.

بدینگونه روش سیاه استبدادی وارتجاعی بر محیط کارگران حمفکرماست و هر روز دسایس و توطئه‌های تازه‌ئی برای آنان چیده‌میشود.

م . ا . خیبر

دپاکستان مسایل دبرچی

په څوکه نشی حل کیدای!

دسیاسی استقرار نشتوالی، په‌پرمختلونکو هیوادونو کی دځوانو دولتونو یوه مشخصه علامه‌ده. هغه هیوادونه چه‌نوی سیاسی استقلال‌ته رسیدلی دی خوله‌اقتصادی لحاظه‌لاتراوسه‌دامپریالیزم په‌منگولو کی پاتې‌دی، دا عدم استقرار او سیاسی‌مزمن بحرانونه دنورو عواملو په‌اړخ کی‌دوه عمده علتونه لری:

۱ـ ددی هیوادو وحشتناکه‌اقتصادی، اجتماعی، سیاسی اوکلتوری پسمانی چه‌دوی‌ته داستعمار ددورودبد میراث په حیث ورپاتی‌شویده؛

۲ـ په‌دی هیوادو کی داقتصادی‌او سیاسی تسلط په‌غرض، دبایللیو مواضعو دلاس ته راوستلوپاره دامپریالستانو تکل؛

امپریالیزم‌دی منظور ته د رسیدولپاره، له‌راز راز وسایلو نه کار اخلی، لکه داستعماری جگړو راپیداکول، دنظامی‌ډلو تپلوهستول، دملی قوتونو پرضد توطئه، دضدملی‌عناصرو په‌وسیله دنظامی کودتاوو اجرا کول اود غیر ملی عناصرو‌اقتدار ته رسول، د مترقی او ملی وطنپالونکواو لارښوونکو ترور، دتخریبی فعالیتونو پر مخ بیول، اقتصادی فشاراچول، رشوت‌ورکول، اقتصادی، تخنیکی او کلتوری اسیرونکی مرستی، دنویو اجتماعی‌ډلو تاسیسول (خپلی خوا ته دملی بورژوازی را ښکودل) اود پخوانیو اجتماعی‌ډلو (فیوډالانو، قبایلی مشرانواونورومرتجعو عناصرو) حفظ او تقویه، دخپلو گوډاگیانو حمایت اوپه‌مختلفو وسایلو قدرت ته دهغوی‌رسول، په ملی آزادی بخښونکو نهضتونو کی‌د بیلتون (انشعاب) را پیدا کول اود سرحدی شخړو پیښول... اونور.

دپاکستان نوزاد او جدیدالخلقه هیواد دخپلی هستی په ۲۲ کلو کی، دپورتنیو علتونو پر بنا په‌همداسی مزمن سیاسی بحران اوعدم‌استقرار اخته شوی دی. ددی مودی په اوږدو کښی په پاکستان کی هیڅکله بی له برچی او ټوپك‌نه استقرار مینځ ته را نغی. هیڅکله په‌دی‌هیواد کی دموکراتیک او دوامدار اساسی قانون تدوین نه شو. عمومی انتخابات له‌یو ځل نه پرته هغه هم تر غیر دموکراتیك قوانینو او تر ضد دموکراسی‌نظام یعنی (بنیادی دیموکراسیو) لاندی، بل هیڅکله اجرا نه شول. هغه دموکراتیك حقوق اوآزادی چه د پاکستان‌او پښتونستان خلکو د برتانوی استعمار پر ضد داوږدو مبارزو له برکته گټلی وی، په‌دوو شرقی او غربی واحدو باندی دپاکستان دتقسیم له لاری‌اودبنیادی دموکراسیو دغیر عادلانه‌نظام‌دتطبیق له کبله، کاملا غصب شوی.

دپاکستان حاکمه طبقاتوپه‌خپلو زهرجنو او ارتجاعی تبلیغاتو، یوه مختنقه فضا مینځ ته راوسته. هرراز آزادی غوښتونکی او مترقی‌حرکت اونهضت‌به دالحاد اودهریت په‌نوم په کلکه‌او وحشیانه توگه ځپل کیده. هغوی پاکستان دآزادی غوښتونکو

(۴ مخ)

دستگیر پنجشیری

تبلیغات ارتجاعی وفریبنده

نمیتواند جلو انحرافات اخلاقی وجنایات را بگیرد !

مقامات حاکمه افغانستان نه تنها تلاش مذبوحانه‌میکنند تا وضع هلاکتبار موجود را در جامعه استقرار بخشند، بلکه بدبختی دیگر در این است که راه را برای رسوخ ذهنیت ها وافکار انحرافی ارمغان جوامع طبقاتی غرب، این محصول ذاتی سیستم سرمایه‌داری، از طریق نشرات، فلم‌ها، سیاحان سرو پابرهنهٔ هیپی وغیره نیز هموار میسازند، تا گویا بدین ترتیب زمینه فساد بیشتر درجامعه مهیا گردد.

انحرافات اخلاقی‌عده‌ئی از جوانان که بیشتر به طبقات حاکمه و متوسط جامعه تعلق دارند، به تقلید ازغرب وبه خصوص گانگستریزم امریکائی به جائی رسیده که اکنون علناًدست به تشکیل باندها میزنند و مرتکب جنایات میشوند. اینها همه محصول وضع نا مساعد اجتماعی است. یکی از علل عمده همه انحرافات همانا بیکاری مزمن و فقر وحشتناك در جامعه است و زمینه‌های بروز حوادث ناگواری را که منجر به جنایت میگردد، بوجود می آورد. کدام روز است که اخبار مربوط به قتل، دزدی، جنحه، جنایت وغیره درجراید منتشر نگردد؟ این اخبار اندکی از بسیار و مشتی از خروار است وصرف نمونه هائی از ارتکاب جنایات در شهر ها ودهات کشور بشمار میرود. ولی میتوان پی برد که چطور روز تا روز بر تعداد آنها افزوده میشود. معلوم است‌که به طور کلی علل واقعی اینگونه اتفاقات در صفحات این جراید، بخصوص جراید «سر کاری» نمیتواند انعکاس یابد وفقط اخبار مربوط، محتوی‌شرح وقایع میباشد ودر آن علل واقعی بروز این‌حوادث‌مسکوت باقی‌میماند، ودر عوض به عوامل ظاهری پرداخته می شود، در حالیکه باید سرچشمه وعلت العلل هرگونه جرم وجنایات را مانند دیگر مفاسد اجتماعی در سیستم اجتماعی ـ اقتصادی کشور جستجو کرد. تاوقتیکه فقر، بیکاری وتنگدستی در جامعه وجود دارد، دزدی، رهزنی، آدم کشی‌و فحشانیز وجود خواهد داشت.

در جامعه ایکه این همه افراط و تفریط وجود داشته باشد، معدود ی

(ص ۴)

ع . کشتمند

مقامات حکومتی باسرمایه‌های غارتگر امپریالیستی همکاری میکنند

سرمایه های غارتگر امپریالیستی در کشور ما بطور روز افزونی زمینه نفوذ بیشتر پیدا مینمایند. این سرمایه ها در سالهای اخیر درشئون اقتصادی جامعهٔ فقیر ما، بخصوص درامور تجارتی از برکت سیاست اقتصادی حکومتهای افغانستان از رسوخ کاملی بر خوردار گردیده است. هموار ساختن راه برای‌اموال و سرمایه های امپریالستی وتبلیغ در بارهٔ آنها اکنون بطور شعوری از طرف مقامات حکومتی کشور انجام میگیرد.

هرگاه فقط به اعلانات خریداری های دولت توجه گردد، کافی است دریافت نمود که دستگاه حکومت خود مشغول‌فعالیتهای وسیع‌نمایندگی های متعدد وارداتی مربوط به انحصارات کشور های سرمایه داری است. هم‌اکنون‌قسمت‌اعظم‌خریداری‌های دولت از طریق این نمایندگی ها ویا تاجران خارجی صورت می گیرد.

در حال حاضر چون در کشور‌هائی نظیر افغانستان منافع بیشتری نصیب‌سرمایه های‌کشورهای‌سرمایه‌داری میگردد، ازین لحاظ در اثر حمایت و تشویق محافل حاکمهٔ ارتجاعی کشور، برای تشکیل شرکتهای مختلط از سرمایه های خارجی وبورژوازی کمپرادور داخلی و سرمایه گذاری های خالص خارجی تلاش میگردد، که در واقع هدف این سرمایه ها بجزء سود جوئی و غارت کشور ما چیز دیگری‌نیست. مثلا چندین شرکت‌مختلط بار بندی و بسته بندی که درین اواخر باسرمایه های خارجی، به اشتراك متنفذین ثروتمند داخلی ایجاد گردیده است، منظور اساسی از ایجاد آنها غیر ازینکه بی درد سرو«قانونی» به کار پر در آمد و سود آور قاچاق‌پرداخته شود، چه خواهد بود؟ یا بطور مثال هدف از احداث شرکت مختلط تولید ادویه با اشتراك سرمایه هوخست، این غول اقتصادی‌غرب در افغانستان که اخیراً باطمطراق و آب و تاب فراوان در رادیو و مطبوعات دولتی اعلان گردید، چیست؟ بجز اینکه انحصار عظیم هوخست ـ که کشور هائی چون افغانستان را اگر بکجاهم ببلعد به اصطلاح مردم صفرایش نمی شکند ـ با استفاده از کار ارزان، معافیت های گمرکی، بر خورداری از قانون‌سرمایه گذاری وحمایت صنعتی وغیره، رقبا را با تولید یك مقدار ادویه تقلبی (تقلبی برای آنکه مقامات مسوول حکومتی افغانستان با این اوضاع واحوال قادر به کنترول نخواهد بود) از مواد نمیساز خارجی از بازار برون بکشد وقیمت های انحصاری را جانشین آن سازد. به عقیدهٔ ما صدور اجازه خاصتاً برای تولیدادویه، مشروبات وغیره محصولاتیکه مستقیماً باصحت مردم سرو کاو دارد و به سهولت تقلب در آنها صورت گرفته میتواند به سرمایه گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی، که یگانه هدف آنها سود میباشد، جنایتبار است.

باوجودملاحظهٔ غارتگریهای‌نمایندگی های فروش اموال انحصارات امپریالیستی بر تعداد آنها به‌سرعت افزود میگردد. مثلا در پهلوی ده ها کمپنی غارتگر واردکننده‌وفروشنده کشورهای‌امپریالیستی مانندزیمنس، اندیمار، راستکو، هولندیا، اتالاف، گوشو ... وغیره اخیراً چندین کمپنی دیگر به فعالیت آغاز کرده‌اند که منجمله انحصارات انگلستان نیز برای اینکه ازین خوان یغمابی بهره نماند، نمایندگی فروش و تورید تمام اموال تولیدی آنکشور را در افغانستان دایر کرده است که خیلی مجهز وپر سرو صدا به اشتهار و تبلیغ می پردازد و هرروز چندین قرار داد سود آور فروش اموال رابه نفع انحصار گران‌انگلیسی وبه ضرر خلق ما می‌بندند.

اکنون همه کس میداند که‌سرمایه‌امپریالیستی متضمن سود حد اکثر برای امپریالیستها و زیان حد اکثر برای کشور ماست. البته هر انسان واقع بینی نمیتواند روابط اقتصادی با کشور های دیگر را نفی نماید، ولی هیچ وطنپرستی حاضر نمیشود که مشاهد محض معاملات غارتگرانهٔ امپریالیستها باشد که برهم زنندهٔ اقتصادکشور هائی نظیر افغانستانند.

بازهم تخریب!.. بازهم تجاوز!..

وضع کنونی در کشور ما، دوران تفتیش عقائد قرون وسطایی اروپا را به‌خاطرمی‌آورد. درآن‌هنگام‌نیرو های کهنه پرست‌و مستبد اروپایی به صورت بسیار وحشیانه، علیه آزادی علم، علیه آزادی فکر، علیه آزادی مطالعه و انکشاف ذهنی و به صورت کلی علیه ترقی‌بشری قد برافراشتند ووحشتهایی را مرتکب شدند که بشریت پیشرو هرگز آنرا نخواهد بخشود.

هم اکنون که افغانستان در مسیر تجدید حیات ملی، به سوی افق جدید زندگی راه میگشاید، کهنه‌پرستان معاصر کشور ما (مرتجعین محلی، عمال مرتجع‌حکومت، سازمان‌های جاسوسی «سیا» وایجنت‌های معلوم الحال آن، این مشت ناچیزی از خلقی نمایان تخریبکار) عملا در یك جبههٔ متحد، علیه دانش پیشرو، علیه آزادی، دموکراسی وعلیه مصالح عالیهٔ خلق صف آرایی میکنند واز هیچ دسیسه و تخریب بر ضد نیرو های اصیل خلقی دریغ نمینمایند. چنانچه در عده‌ئی از ولایات کشور ممانعت های خلاف قانون علیه پخش وتوزیع پرچم، یکی از پدیده های روشن این روش‌ننگین است.

آخرین اطلاعات از ننگرهار میرساند که در جلال آباد مرتجعین ومخربین خلقی نما، علیه محصلان و شاگردانیکه به مطالعهٔ جریده ملی ومترقی پرچم می پردازند، دست به تهدید وتخریب زده‌اند و من جمله شخص مسوول دارالعلمین ننگرهار که خود را «خلقی» قلمداد میکند، مطابق دستور رهبری (!) خویش شاگردان وطنپرست، نجیب وبا شعوررا‌باتهام اینکه جریده پرچم‌خلق را مطالعه میکنند و بجریان غیر از جریان «او» پیوسته اند، لت و کوب نموده وزمینهٔ ناکامی و اخراج ایشانرا فراهم میکند.

مطابق به پالیسی تصفیهٔ وزارت معارف آنهم به مشوره و اشارهٔ به اصطلاح «رهبری (!)» خلقی نما ها ونیرو های مرتجع، عده‌ئی از معلمین وطنپرست را که جز انجام وظیفهٔ وطنی جرمی ندارند، به منظور زمینه سازی برای خودی ها «این خلقی های دروغین» بدام توطئه انداخته، از جائی به جائی «تبعید سیاسی» وتبدیل میکنند و سعی میورزند بدین شیوه از مقامهای دولتی وصلاحیت های رسمی خود برای پیشبرد «وظایف» سیاسی خویش سوء استفاده نمایند.

همچنان مطابق دستور «رهبری(!)» خلقی های دروغین در ولایت پکتیانیزازین روش‌استفاده شده‌وچند بارنسخه های جریدهٔ پرچم رابدست آورده و حریق کرده اند ودر نتیجه با عکس العمل دلیرانهٔ جوانان شریف ووطنپرست پکتیا مواجه شده‌اند.

ما به این مخربین‌و سیاست‌بازان دورو و معلوم الحال که از صلاحیت‌های دولتی استفادهٔ دوگانه میبرند، اخطار میدهیم که هر گاه از اعتبار دولتی برای‌مقاصد سیاسی وضد خلقی خود مزیداً استفاده نمایند، ایشانراباتمام اعمال وهدف‌های ضد خلقی شان، در برابر خلق افغانستان افشاء و رسوا خواهیم کرد. ما دیگر باین ایجنت‌ها وعمال سی.آی.ای وبازیگران دوروی سیاسی ونفاق افگن فرصت نخواهیم داد که از گذشت سیاسی ما برای هدفهای ضد ملی وضد مترقی بهره‌گیری کنند.

بومدین رئیس‌دولت الجزایر گفت:

الجزایر راه سوسیالیزم را تعقیب می کند !

حواری بومدین رئیس شورای انقلابی و رئیس دولت الجزایر ضمن تماس باپرابلمهای سیاست داخلی‌و خارجی کشور خود در مذاکره بایکی از ژورنالستان خارجی اظهارداشت: ما صنایع استخراجی را درالجزایر توسعه می‌دهیم وتاکید زیاد ما بالای نفت وگاز می‌باشد.

توجه ما به صنعتی کردن کشور به هیچ صورت معنی آنرا ندارد که ماتنها متوجه صنعت می‌باشیم. الجزایر یك کشور دهقانی است و انقلاب مایك انقلاب دهقانی میباشد زیرا دهقانان همه سپاهیان ورضاکاران آنرا تشکیل میدادند، ازآنرو یك امر کاملا طبیعی است که‌شورای انقلابی و حکومت مصروف مطالعه پرابلمهای زراعتی می باشند.

بومدین علاوه کرد: دهقانان و کارگران قویاً از تنظیم‌تصدیها توسط خودشان پشتیبانی می‌نمایند. این اصل اساسی اقتصاد الجزایر را تشکیل خواهد داد. بنابرپرنسیپ‌های اجتماعی که ذاتاً درین نوع‌اداره وجود دارد، ماتصدیهائی را که به توسط خود دهقانان و کارگران‌اداره میشود، سکتور سوسیالیستی می‌پنداریم. من تطبیق اداره توسط خود کارگران ودهقانان را درالجزایر پیروزی کولکتویزم‌برانارشی وهرج‌ومرج ناشی از مالکیت خصوصی تلقی می‌نمایم.

تاجائیکه مربوط به اقتصاد ملی است، الجزایر درنظر داردتمام‌منابع خودرا در راه انکشاف خود بکاربرد ومصمم است استقلال خودرا تحت هرنوع حالت که باشد، از دست ندهد. بومدین این‌افواه راکه‌الجزایر می‌خواهد به سرمایه گذاران‌خارجی امتیاز بدهد، از ریشه ردکرد.

وی گفت: الجزایر راه سوسیالیزم‌را در پیش گرفته واین راه غیر قابل بازگشت می‌باشد. وی اظهار داشت‌که باید الجزایر ازیك‌سیاست خارجی واقعاً مترقی پیروی نماید. باید همبستگی خودرا با جنبش

(ص۲)

پرچم

دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۱ حمل ۱۳۴۸

مبارزه دلیرانه خلق

ویتنام در مرکز توجه تمام بشریت مترقی قرار دارد

نهضت کمك به خلق قهرمان‌ویتنام وتجرید متعرضین امریکائی در فرانسه وایتالیا دامنهٔ وسیع‌کسب نموده است. کشور های سوسیالیستی اروپا کمك جدی‌اقتصادی به ویتنام می‌دهند.

زمامداران امریکا خواستند از طریق موافقه به آغاز مذاکرات‌صلح درپاریس، افکار عامهٔ جهان راآرام سازند، ولی هیچنوع پیشرفتی در مذاکرات صلح حاصل نگردیده‌است، وبعلت اینکه نمایندگان امریکا و سایگون حاضر نیستند راجع به موضوعات اساسی بحث نمایند، این مذاکرات به رکود مواجه گردیده است. موضوعات مذکور عبارت‌اند از بیرون کشیدن نیروهای اجنبی‌از ویتنام وقطع خون ریزی.

آغازرسمی‌مذاکرات صلح‌درپاریس به‌رئیس جمهور جدیدامریکا فرصت داده است‌تادرسیاست‌آنکشور راجع به جنگ و تجاوز امریکاعلیه‌استقلال وآزادی مردم ویتنام تغییری وارد نماید. خواست کلیه بشریت مترقی وصلحدوست جهان‌اینست‌که نکسن هرچه زودتر دراین راه گامهای‌عملی وموثری بردارد. ولی حقایق نشان میدهد که محافل نظامی امریکاحاضر نیستند از فرصتیکه بدست آمده به نفع استقرار صلح در ویتنام‌استفاده نمایند. شدت جنگ ویتنام وتوسعهٔ هرچه بیشتر آدم کشی و بمباردمان بی‌دریغ طیارات ستراتژیك امریکائی برمردم بی‌دفاع ویتنام جنوبی، مثالهای زنده این بی علاقگی آنها به امر صلح در ویتنام میباشد. اولیای امور سایگون که به کمك و پشتیبانی امریکا حکومت می نمایند، پیوسته از امریکا می‌خواهند تا به جنگ ظالمانهٔ خود علیه هموطنان ویتنامی آنها ادامه دهند. حتی تقاضا دارند که امریکا بمباردمان ویتنام شمالی را مجدداً آغاز کند. وزیر دفاع امریکا در وقت بازدید خود از سیگون اعلان نمودکه وی‌از کانگرس امریکا تخصیصات جدید، خصوصاً راجع به جنگ ویتنام درخواست خواهد نمود. انحصارات امپریالیستی که از ادامهٔ جنگ‌سودهای هنگفتی می‌برند حاضر نیستندبه آواز قهرمانان صلح گوش دهند.

درشرایط کنونی ایجاب می نماید که تمام نیروهائی که بخاطر صلح‌در جنوب شرق آسیا فعالیت می نمایند، سرازنو بسیج گردند. امریکا ودیگر کشورهای پیرو آن که علیه مردم ویتنام می جنگند، یك مقصد دارند وآن اینست که رژیم دست نشاندهٔ سیگونی را برخلق ویتنام جنوبی تحمیل نمایند.

مایقین کامل داریم که خلق شجاع ویتنام به کمك همه جانبه دوستان خود و پشتیبانی تمام بشریت صلحدوست میتواند این آرزوی امپریالیستها را بخاك یكسان نماید، و امپریالیزم با تمام وحشت و بربریتی که از خود نشان میدهد، در وضعی نیست که‌بتواند اراده خودرا بر خلق ویتنام تحمیل کند. بهتر خواهد بود اگر امریکااز فرصتی که بدست‌آمده استفاده‌کرده، برسیاست خودراجع به جنگ منفور ویتنام تجدید نظر کند و خودرا با وضعیت طوریکه هست آشنا سازد وبه ذهنیت عامهٔ جهان جواب مثبت بدهد وازخون ریزی بیهوده که جزندامت سودی ندارد، جلوگیری کند.

در هرحال پیروزی از آن خلق قهرمان ویتنام است که بخاطرآزادی و استقلال دلیرانه می جنگند.

تصمیم غم آور

برای امریکا

سازمان «امریکنزفار دموکراتیک اکشنز» از کانگرس ایالات متحده امریکا تقاضا نموده است تا پیشنهاد های حکومت را راجع به‌بکار انداختن سیستم ضد مرمی های بالستیک رد نماید. دراعلامیه‌ئی که توسط مدیر ملی این سازمان (لیون شول) پخش گردید، گفته می شود که حکومت چنان تصمیمی را اتخاذ نموده که‌برای امریکا غم آور است. این سیستم مسابقه تسلیحاتی سلاح ذروی‌را بطور غیر ضروری توسعه می بخشد وبه‌هیچ صورت در تقویه امنیت ملی ایالات متحده امریکا کمك نمی نماید.

اسرائیل والمان غرب

باهم دوستی میکنند

«هفته اسرائیل» در آلمان غرب در فضای جشن وسرور برپا گردید. بیرقهای اسرائیل وآلمان غرب در شتوتگارت آلمان غرب در اهتزاز در آمد. سفیر کبیر اسرائیل ووزیر داخلهٔ آلمان غرب دست های همدیگر را محکم فشردند، سرود ملی هردو کشور در فضا طنین انداز بود. یك هیأت پانزده نفری پارلمان اسرائیل بنا به‌دعوت‌پارلمان‌آلمان غرب‌به‌غرض اشتراك در مراسم «هفته اسرائیل» بآنجا وارد گردیده ودر نظر دارد از بن نیز دیدن نماید. امداد های اقتصادی، نظامی، تخنیکی، وسیاسی که اسرائیل به‌هراسم ورسم‌از آلمان غرب در یافت‌می‌دارد، بدون شك در تشویق وتشجیع‌آن‌کشور به‌خصومت علیه کشورهای عربی و پیشبرد پلانهای توسعه جوئی آن کشور تاثیرات زیادی دارد. برگزاری «هفتهٔ اسرائیل» درآلمان غرب، آنهم در اوضاع واحوالیکه حملات هوائی وزمینی اسرائیل بر کشورهای‌عربی کسب شدت نموده و صدها هزارنفر مهاجر اعراب فلسطین در بد ترین شرایط بسر میبرند، واسرائیلیان خون آزادیخواهان عرب را بی‌باکانه می‌ریزند، خانه‌های شانرا بادینامیت منفجر میسازندوهزاران‌نفر از آنانرا بجرم آزادیخواهی‌ومبارزه علیه‌اشغال سرزمینهای شان توسط اسرائیل و بی احترامی اسرائیل به اماکن مقدسه مسلمانان، به‌مدتهای طولانی حبسهای توام با اعمال شاقه‌محکوم وبزندانها می‌فرستند، جشن گرفتن هفته اسرائیل در آلمان غرب، جز خصومت وکینه توزی با اعراب معنی ومفهوم دیگری ندارد.

دبریښنا منده

د بریښنا منده چه وینم په وریځ کی
پدی خپل ناتوانه ځان می ارمان راشی
دا سپیره بیدیا به‌شی جنت د گلو
په پسرلی می هسی‌شانی گومان راشی

لیوان تښتی

څو چه ته دا دلمځی‌کو څو او باسی
زما له زړه د فریادونو توفان تښتی
تر گذار دی قربانی شم لیږ چټک شه
چه د تښتی له ساحی‌نه لیوان تښتی

روان شه !

تش د گل په شانی‌مه خانده خاموشه
سیند د هڅو شه هم‌خانده، هم روان شه
زمانه، زما او ستا په غم کی نه ده
نه پخپله ځان ته سراو هم سامان شه

هغه ځوان

هغه ځوان چه دوطن‌په درد سوځیږی
که سل ځله په مخ لویږی پورته کیږی
ما تری زر ځله قربان او صدقه کړی
چه د مرگ په پوله‌ناست دی لا خوځیږی

سلیمان لایق

(دلومړی مخ پاتې)

دپاکستان مسایل...

او کوچنیو ملتونو په ستر زندان بدل کړ. دپاکستان دخلکو ستراکثریت په‌اقتصادی لحاظ دژوند ډیربدشرائط گاللی. دڅومحدودو او مقتدرو کورنیو په‌لاس کی‌د ثروت‌تراکم دفقر او غنا ترمینځ تضاد په بی ساری‌توگه شدید کړ او ستره پوله یی دشتمن او نشتمن تر مینځ را ښکوده.

دپاکستان حاکمه‌محافل‌دخارجی سیاست په ډگر کی، د(اسلامستان) دتوسعه طلب سیاست او دانتی‌کمونیزم دایدیالوژی دپیروی له کبله، له زیاتو مشکلاتو سره مخامخ وو او له ټولو سوله دوستو او گاونډیو هیوادونو سره یی‌ډیر بد مناسبات درلودل. هغوی‌د سنتواو سیتوپه تیری کوونکو تړونو کی دغړیتوب‌له امله امپریالیستی‌هیوادونو بیاپه تیره امریکا سره ددوو اړخیزو قراردادونو په وسیله، پاکستان دلمسون، تیری، دسایسو او سوله دوستو اوگاونډیو هیوادونو په داخلی چارو کی دمداخلی‌په مرکز بدل کړ.

لس کاله‌دمخه کله چه‌د پاکستان حاکمه مقاماتو ځان د پښتونستان، بلوچستان، سند او شرقی بنگال دپیاوړی کیدونکی آزادی بخښونکی ملی‌دموکراتیک نهضت په‌مقابل کی عاجز او ناتوانه ولید او د بین‌المللی مرتجعو قوتونو کی‌په‌دی هیواد کی له‌خطره سره مخامخ شوی دپاکستان نظامی قوتونه یی‌دفیلد مارشال محمد ایوبخان په مشری خپلی مرستی ته را وغوښتل چه‌په نتیجه کښی دپاکستان‌او پښتونستان سر نوشت په وحشتناکه توگه د عسکرو لاس‌ته ورغی‌او یو لړ حقوق او آزادی چه‌په نیمگړی توگه په پاکستان کی شته وی هغه‌هم له مینځه لاړی.

په استعماری هیوادونو کی دروزل شویو نظامی منصبدارانو لاس‌ته، دپاکستان دخلکو دمقدراتو لویدل، نه یوازی دپاکستان دخلکو لپاره‌له‌مصیبت نه ډك وُ بلکه د نړی پدی برخه کی‌یی سوله او امنیت له‌خطر سره مخامخ کړل. دهند او پاکستان ترمینځ د۱۹۶۵کال‌جگړه ددی‌حقیقت‌روښانه شاهد دی. چه‌که شوروی اتحاد په سوله غوښتونکی ابتکار لاس نه‌وای پوری کړی‌اود تاشکند د کنفرانس په جوړولویی د جگړی مخه‌نه‌وای نیولی، ممکنه‌وه چه‌دا جگړه په یوه ستره‌بین‌المللی جگړه‌بدله شوی وای.

دفردی دکتاتوری او غیر ملی سیاست‌په مقابل کی دپاکستان او پښتونستان دخلکو مقاومت، په زیاتیدونکی توگه او په‌مختلفوښکاره او پټو، سوله ایزو او غیرسوله‌ایزو اشکالودوام درلود اود زیاتو قربانیو په زغملویی، فردی قدرت‌شاتمبیدوته مجبور کړ. د پاکستان‌حکومت‌مجبور کړی‌شو چه‌دری کلن اضطراری‌حالت پای‌ته و رسوی او له‌مخالفو قوتونو سره دیوه میز دپاسه، دپاکستان دخلکو په لاندنیو پرابلمونو باندی بحث وکړی:

ـ پارلمانی دموکراسی اود حکومت‌فدرالی سیستم‌دی‌په‌پاکستان کی رواج شی.

ـ دبنیادی دموکراسیو غیر دموکراتیك نظام او یو یونټ دی لغوشی.

ـ دپاکستان اود غربی پاکستان په‌خارجی سیاست اوپولی‌سیاست باندی دی نوی نظرو شی.

ـ دپاکستان مناسبات‌دی‌دمختلفو سیاسی سیستمونو لرونکو هیوادونو سره، سر له‌نوی د گډ ژوند د پنځگونو اصولو پر اساس بناشی اود پښتونستان او بلوچستان خلکو ته دی دخودارادیت‌حق‌ورکړل شی.

مگرد نوی‌نظامی قانون (مارشل لا) اعلان او یو ځل بیا د خلکو د ټولو آزادیو او حقوقو سلبولو داتجربه بیا تکرار کړه چه‌د پاکستان ارتجاع اود هغه بین‌المللی دوستان حاضر ندی هغه څه‌یی چه دغصب له لاری لاس ته راوستی په آسانی له‌لاسه ورکړی. دنظامی قانون دوهم اعلان ثابته کړه‌چه ددموکراسی په‌لوری‌لاره هواره‌او صافه‌نده، بلکه له یوه استبدادی او اتوکراتیك حالت‌نه یوه بشپړدموکراتیك ژوند ته مخه کول یو مشکل او دردناك کار دی.

دمارشال ایوب خان مرموز گوښه کیدل او جنرال محمدیحیی خان‌ته دهیوادداداری‌چاروپریښودل، ترهر څه زیات، دپاکستان دخلکو دگټو اود پښتونستان او بلوچستان دخلکو د آزادی غوښتنی پرضد، دارتجاع دنویو دسائسو شروع‌ته پاته کیږی.

همدا اوس چه موږ داکرښی‌لیکو دپاکستان دنوی وضعی په باب مفصل او وروستی‌معلومات نلرو. مگرموږ معتقدیو لکه څنگه‌چه‌لس‌کلنی فردی دکتاتوری، نظامی قانون اود مارشال ایوبخان اضطراری حالت، هیڅ مشکل دپاکستان دواکدارانو اوحاکمه محافلو له مخی لری نکړ اود هیواد عمومی‌نهضت ته یی صدمه ونه‌رسولای شوی دجنرال یحیی‌خان‌اودهغه‌دملگرو اداره‌به‌هم بیا په تیره‌به او سنیو متغیرو شرائطو کی ونشی‌کولی او نه‌یی شی کولی چه‌د نظامی قانون‌په‌ازمویل شوی وسله کوم کار په‌مخ بوزی. که چیری‌داسی کار ممکن‌وای، کافی وه چه لس کلنه فردی دکتاتوری‌ټول مشکلات رفع او ټول پرابلمونه‌حل کاندی. بر عکس دهمدی فردی مطلقه حکومت لس کلن نظام اونظامی قوانینو وو چه داسی‌نوی مسائل اومشکلات‌یی را پیدا کړل چه‌د‌اوسنی نظامی قانون دبیا اعلان سبب‌شول. «دآزادی، دخلکو ځان اومال ساتنه» هغه‌هم دنظامی قانون له لاری اود خلکو‌دټولو حقوقو او آزادیو‌سلبول، دارتجاع او استبداد له‌منطق پرته بل هیڅ منطق نلری.

عادی حال ته دپاکستان دتوفانی وضعی را گرزول، هغه‌هم دبرچی په‌څوکه‌تر ناروغی بدتر علاج‌دی.

په‌داسی حال کی چه دافغانستان خلك‌دپاکستان دحوادثو بهیر اود پښتونستان او بلوچستان دخلکو هلی‌ځلی‌په تشویش څاری، هیله‌مندی‌چه‌دپاکستان او پښتونستان خلك به له دی حساسی مرحلی‌نه‌هم په‌بشپړ بری تیر شی او خپله لاره به په‌کامیابی د سولی، آزادی، دموکراسی‌او نوی قانونی‌ژوندخواته تعقیب کاندی.

(ازص اول)

تبلیغات ارتجاعی وفریبنده...

طفیلی ها وصاحبان امتیاز در روز روشن وبطور مجاز بغارت‌مردم‌بپردازند وازتمام نعمات مادی برخوردار باشند واکثریت بزرگ مردم از همه چیز محروم شوند، برلشکر بیکاران هر روز افزود گردد، وکارد بیرحم فقر وگرسنگی بر استخوان مردم برسد، طبیعی است جنحه وجنایت رو به افزایش میگذارد.

با اینوضع هر قدر دستگاه اداری وقضائی‌و«نظام‌استبداد» ویا دستگاه منافقت آمیز وپر از فریب تبلیغات مقامات‌حاکمه‌ومرتجعین فعال باشند، باز هم از وقوع این همه انحرافات وجنایات نمیتوان جلو گیری کرد، زیرا اینها خود محصول سیستم اجتماعی ـ اقتصادی‌و نظام‌اتوکراسی کنونی افغانستان است. بنابر آن اصلاح عمیق اجتماعی در هر زمینه ومنجمله ریشه کن کردن فساد و انحطاط اخلاقی از جامعه مستلزم به وجود آمدن تغییر اساسی و بنیادی درتمام شئون اجتماعی‌ـ‌اقتصادی و سیاسی کشور است.

یك‌ماشین پرمصرف

بتاریخ ۲۰ فبروری وزارت دفاع امریکا بخاطر خرسندی و دلخوشی مردم امریکا اعلان نمود که ماشین جنگی آن ۲۰۲٫۵۰۰ ملیون‌دالر‌ارزش دارد.

بدینمعنی که برای هر مرد، زن و طفل امریکا معادل ۱۰۰۰ دالر مواد جنگی (از بوت عسکری تا طیارات بمباردمان ثقیل)وجود دارد. آیابازهم امریکائیان ثروتمند نیستند؟ بد بختانه این دارائی‌ها مانند دارائیهای دیگر هیچ چیزی تولید نمیکند، بلکه بطوردوامدار مصارف گزافی راایجاب مینماید. طرح جدید برای سال مالی ۱۹۷۰ نشان میدهد که مصارف نظامی با افزایش ۵۰۰ ملیون دالر به ۸۱٫۵۰۰ ملیون دالر بالغ گردیده است. بنا بر آن هر امریکائی، بشمول اطفال، مجبور خواهد بودبرای‌حفظ‌این ماشین جنگی ۴۰۰ دالر بپردازد.

دولت نیز این فشار را احساس میکند. قوه خرید دالر بطور دوامدار پائین می‌آید. این‌سقوط‌به ۲٫۷۸ فیصد در سال ۱۹۵۷ بالغ گردیده است. قرضه ملی بالامی‌رود ودر ۱۸ فبروری به ۳۶۳۰۰۰ ملیون دالر بالغ گردید. پریزیدنت نکسن از کانگرس‌خواسته است که آنرا حد اعظم به ۳۸۲۰۰۰ ملیون دالر برساند.

ملت امریکا زیر بار سنگین‌مالیات می لولند. تنها انحصارات‌مسرورند زیرا آنها پول کمایی میکنند.

پرچم
ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان
هره دوشنبه خپریږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر :
سلیمان لایق
آدرس : زرلښت مارکیت ـ
محمدجانخان واټ. کابل ـ افغانستان
تیلفون : ۲۳۱۶۴

داشتراك بیه
په‌کابل کښی دکال: ۱۲۵ ـ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کښی دکال : ۱۴۰ «
په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر
دجاری حساب نمبر به پښتنی‌تجارتی بانك کښی ۳۸۵۳

دیوی گڼی بیه: ۲٫۵۰ ـ افغانی

دولتی مطبعه

یادداشت

در شماره گذشته فهرستی از(۷۷)مظاهره واعتصابی‌که در جریان سال (۱۳۴۷) در داخل‌کشورصورت‌گرفته بود، از نظر خوانندگان ارجمند پرچم‌گزارش‌یافت. امیدواراست اعتصاب وتظاهراتی را که در آنجا از چاپ مانده است، نیزقید بفرمایند:

در ماه سنبله.

۷۸ـ تظاهرات شکوهمند روز(جشن پښتونستان) بغرض تائیدوپشتیبانی از نهضت رهائی بخش ملی خلقهای پښتونستان.

در ماه عقرب.

۷۹ـ اعتصاب شاگردان لیسهٔ‌میرویس ولایت کندهار، بخاطرتأمین خواستهای صنفی شان.

۸۰ـ تظاهرات اعتراض آمیز‌برضد حکومت پاکستان در کابل،علیه زندانی‌شدن رهبران‌ملی‌ومترقی پښتونستان ـ ښاغلی خان عبدالولی‌خان وښاغلی اجمل خټك.

با اینکه پرچم خلق، در جریان‌سال گذشته همیشه اخبارتظاهرات‌واعتصابات الهامبخش وقهرمانانهٔ مردم کشور را در راه تأمین حقوق‌وآزادیهای دموکراتیک شان به‌موقعش ثبت ونشر کرده وهر یك از آنرا به عنوان بخشی از جنبش‌با شکوه خلق افغانستان جداً موردحمایت و پشتیبانی قرار داده است، معهذا اگر احیاناً برخی ازین‌مظاهرات واعتصابات از ثبت‌تاریخ‌پر افتخار مبارزات نجاتبخش کشور مانده باشد، از تمام نیرو ها، موسسات واشخاص وطنپرست‌خواهش می شود تا جریان آنرا بقید تاریخ، محل وقوع وهدف‌مظاهره ویا اعتصاب به آدرس‌دفتر پرچم ارسال وممنون سازند.

آیا باید درپارلمانهای ارتجاعی شرکت کرد؟

ببرك کارمل

یکی از مسایل مهم مبارزهٔ خلق‌مادرسال جاری ،این سال «خطیر»،این سال اوج‌نهضت رهائی بخش،مسأله انتخابات دورهٔ‌سیزدهم شوری‌است.مردم کشور ما هم اکنون در آستانهٔ‌مبارزات انتخاباتی قرار دارند.بدین لحاظ ماتحلیلاتی رابه منظور تشخیص‌وظائف‌کلیه نیرو های ملی ومترقی‌درجریان مبارزهٔ انتخا باتی و پارلمانی وتنویراذهان‌مردم،دربارهٔ پار لمان وپارلمانتریزم ارائه‌مینمائیم. زیرادرك‌صحیح مسأله درشرایط کنونی لازمی است. خاصه که ازچند سال باینسواز طرف محافل حاکمه و شبکه های‌تخریبی امپریالیستی‌عملا در یك‌جبهه باچپ‌نماهای اخلال گر، دربارهٔ‌مفهوم‌واقعی مبارزهٔ‌پارلمانی‌تفتین وتبلیغات‌سوء وتوجیهات وتعبیرات نا درست بعمل آمده است.

تحلیل علمی زیرین از مبارزهٔ‌پارلمانی وشرکت‌درانتخابات‌پارلمانی‌در دوبخش (از لحاظ تئوریك‌وپرتیك آن درکشور ما) ارائه میگردد.

فکر سلیم وتاریخ حکم میکند: تا زمانیکه طبقات‌مختلف در جامعه‌وجود دارند، بهیچصورت نمیتوان از «دموکراسی خالص» حرفی بمیان آورد، بلکه میتوان‌تنها از دموکراسی طبقاتی سخن‌گفت. کسانیکه‌میخواهند ماهیت دموکراسی در شرایط تسلط نظام فئودالی وسر مایه داری‌پوشیده ومسکوت گذاشته شود، در حقیقت به چشم کارگران وتوده های و سیع خلق خاك میزنند. حتی پیشرفته‌ترین نظام دموکراسی بورژوازی (مثلا در انگلستان، فرانسه، ایتالیا وغیره) در عین اینکه نسبت‌به نظامات قرون وسطائی (فئو دالیزم) خیلی‌پیشرفته ومترقی بشمار میرود، بازهم همواره دموکراسی محدود ونیم بندی بیش نیست که‌برای‌ثروتمندان مظهرآزادی وقدرت وبرای تهیدستان دام‌وفریب است. معهذا این حکم‌کلی در جریان رشد وتکامل جنبش انقلابی اصولا مانع آن نمیگردد که زحمتکشان تا رسیدن به دموکراسی واقعی (دموکراسی برای‌زحمتکشان) به‌اتفاق سایر قشر های خلق ، در راه دموکراسی با قطعیت تمام مبارزه نکنند وتوده ها را به فعالیت مجدانه علیه طبقات حاکمه نکشانند ومانع ارتجاع امپریالیستی نگردند که میکوشد آزادیهای دموکراتیك رااز میان بردارد وقانون‌اساسی را بغرض استقرار حکومت فردی تغییر دهد واین یاآن نوع حکومت مطلقه، استبدادی و فاشیستی را جایگزین حکومت پارلمانی نماید وقدرت‌پارلمان را به نفع‌مطلق طبقات حاکمه‌ارتجاعی محدود کند. باید خاطر نشان‌ساخت که علی رغم‌خصلت‌نیم‌بند دموکراسی دراین یاآن‌کشورفئودالی وبورژوازی هرچه جنبش دموکراتیك عمیق تر باشد، بهمان پیمانه سطح شعور سیاسی توده هابمدارج‌بالاتری ارتقاء می‌یابد.

نباید از اصل‌مطلب دور افتاد. درین‌مقاله بحث ما بطور کلی روی دموکراسی نیست ودر شماره های گذشته پرچم در زمینه دموکراسی وسیعاً بحث شده است. بلکه‌درینجا کوشش میشود بطور خاص روی مسأله پارلمان، این موسسه ایکه مرکز فریب دموکراسی بورژوازی میباشد ، روشنی مختصر تئوریك انداخته شود، تا درین‌آستانهٔ‌انتخابات پارلمان (شوری) در چوکات اصول جهانبینی علمی وظیفه مبرم مبارزه خودرا تشخیص دهیم.

* * *

پارلمان های نظام نیمه فئودالی وبورژوازی را درنظر میگیریم: هرقدر به اصطلاح «دموکراسی» در چنین شرایط تکامل بیشتری بیابد، بهمان تناسب طبقات‌حاکمه کوشش‌مینمایند که پارلمان را به نحوی از انحاء بیشتر بخود تابع سازند، ولی باید توجه کرد که «ازینجا چنین نتیجه نمیشود که نباید از پارلمانتریزم بورژوائی استفاده کرد. ولی ازینجا نتیجه میشود که فقط لیبرال میتواند **محدودیت تاریخی ومشروط بودن** پارلمانتاریزم بورژوائی را فراموش نماید...»

نکته بسیار مهم در مبحث پارلمانتاریزم عبارت از عدم شرکت (تحریم) یاشرکت حتمی‌در ارتجاعی‌ترین پارلمانهاست. تجارب تاریخی بما میآموزد که شرکت در پارلمان ویاتحریم پارلمان ومبارزه پارلمانی به اوضاع واحوال عینی زمان تعلق دارد . مثال تاریخی میآوریم: جناح «اکثریت» انقلابی حزب سوسیال دموکرات روسیه (با سوسیال دموکراتهای معاصر اشتباه نشود) درسال ۱۹۰۵ با تحریم پارلمان تجربهٔ سیاسی فوق‌العاده گرانبهائی را به گنجینهٔ دانش‌زحمتکشان‌انقلابی وارد ساخت و نشان داد که درهنگام درآمیختن شکل‌های مبارزه علنی و غیر آن ، مبارزه پارلمانی و غیرـ پارلمانی ، گاهی مفید و حتی ضروریست که از شکلهای مبارزه پارلمانی صرف نظر گردد . ولی‌بکار بستن کور کورانه و تقلیدی وغیر نقادانه این تجربه در شرایط **دیگر** واوضاع واحوال **دیگر** اشتباه‌فاحشی است. این حکم به اینمعنی است که‌در شرایطی‌که امکان تبدیل سریع اعتصابات توده‌ای به‌اعتصاب‌سیاسی وسپس به اعتصاب انقلابی وسرانجام به‌قیام موجود باشد و یا در هنگام قیام عمومی زحمتکشان ده و شهر (مثلا دروینتنام قهرمان کنونی) ویا درموارد خاص دیگرکه نمیتوان تمام آنرافورمولبندی کرد، تحریم پارلمان یك امر صحیح ودرست تشخیص میگردد . ولی در وضع عادی وآرام مبارزه که شرایط قیام وجود ندارد (مثلا شرکت جناح نامبرده در سال‌های ۱۹۰۷ و۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ ...، در مبارزهٔ پارلمانی و یا مثلا در اوضاع و احوال کنونی افغانستان نیمه‌فئودالی، هندوستان، انگلستان ، سویدن وغیره) تحریم پارلمان «اشتباه فاحشی» است و انحراف چپ بشمار میرود که خلق را ازیك سلاح نبرد محروم میسازد. باید یادآور شد **که نفی مبارزات پارلمانی بهمان پیمانه غلط و مضر بحال جنبش است‌که مطلق کردن‌آن.**

پیش‌میرویم، سوالی‌را مطرح‌میسازیم : آیا در پارلمانهای ارتجاعی‌باید شرکت کرد؟

چپروها در جهان عموماً وچپ‌نماهای کشورما خاصتاً همان نغمه «چپ» های آلمان ، اطریش ، انگلستان ، بلژیك و هلند سال ۱۹۲۰ را «بانهایت تحقیر وبانهایت سبکمغزی» ساز میکنند و به این سوال پاسخ منفی میدهند . اینهاکه به بیماری کودکی دچارند و خود گدی‌های کوکی اند چنین دستور گرفته‌اند که حرف های منسوخ و کهنه را در شکل نو تکرار نمایند. اسلاف اروپائی غربی‌چپروهای‌کنونی چهل‌و هشت سال قبل نیز میگفتند «... باید هرگونه باز گشتی را بسوی شکل های مبارزه پارلمان ، که از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است ، باقطعیت تمام ردکرد... پارلمانتریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است» . چپروها و چپ‌نماهای وطنی مبارزه پارلمانی و اشتراك‌در پارلمان را خیانت به امر انقلاب و سازش باارتجاع میدانند . اظهاراین مطالب صرف از لحاظ تبلیغاتی چسپ دارد . ولی باید توجه کردکه ازمرحلهٔ تبلیغ تامرحلهٔ غلبه عملی هنوز خیلی راهست . امپریالیزم ازده‌ها سال پیش بحیث غول‌پاگلین یا بعداً تحت اصطلاح «ببر کاغذی» اعلان شده است ، ولی این امر به هیچوجه لزوم مبارزه بسیار طولانی وبسیار سر سخت را علیه‌امپریالیزم ازبین نمی برد . دراینکه پارلمانتریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است و عصر کنونی ، عصر دموکراسی های خلقی زحمتکشان است، هیچ‌تردیدی وجود ندارد ، ولی‌هنوز در حدود دو ثلث از نفوس جهان از لحاظ اقتصادی و سیاسی درتحت سلطهٔ بورژوازی وامپریالیزم قرار دارند . باید در نظر گرفت مقیاس جهانی ـ تاریخی چندین دهه را در برمیگیرد . پنج ـ ده سال از نظر تاریخ جهانی زمان ناچیزیست وبه همین‌جهت استناد به‌مقیاس‌جهانی ـ تاریخی (دوران معاصر) در مورد **سیاست عملی** ، بدون در نظرگرفتن شرایط ،خطای‌فاحشی بشمار میرود. کسانیکه درین زمینه به اشتباه خود اعتراف نمیکنند درحقیقت آنهامربوط به سازمان سیاسی طبقهٔ کارگر و توده‌ها نبوده ، بلکه محفل کوچکی یا گرو هی از روشنفکران قلیلند که بدترین صفات روشنفکرانه را از خود بروز میدهند .

کامیابی مبارزه طبقهٔ کارگر بسته بآن است که از یکسو مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر و دهقان و قشرهای متوسط شهری علیه ارتجاع و اوتوکراسی بطور دامنه داری بسط و توسعه یابد و از سوی دیگر این طبقه پیشآهنگ و سازمان سیاسی‌اش **برتمام شکل های مبارزه** ، مسالمت آمیز و قهر آمیز ، پارلمانی وغیر پارلمانی تسلط حاصل کند و برای تبدیل سریع یك شکل مبارزه بشکل دیگر آمادگی نشان دهد .

هیچکس نمیتواند انکار کند که هنوز در کشورما ملیونها توده‌دهقان وحتی کارگران و بخش بزرگی از روشنفکران بدنبال مرتجعین و متنفذین محلی ، کارفرمایان ، بیروکراتها و ملاکین سوق میگردند وما موظفیم که اینحقیقت تلخ را بآنها تفهیم نمائیم و خرافات لیبرالی بورژوازی و بت‌پرستی پارلمانی را بکوبیم . ولی باید متوجه بود که سلاح پارلمان هنوز کهنه نشده و شرکت در انتخابات پارلمانی و مبارزه از تریبون (کرسی) پارلمان برای سازمان سیاسی زحمتکشان، همانا بمنظور تربیت توده‌های‌عقب‌مانده وبیداری وتنویر افکارکارگران ودهقانان یك وظیفهٔ **حتمی** است .

تازمانیکه قدرت جمع کردن بساط پارلمان فئودالی وبورژوائی وهرنوع موسسهٔ ارتجاعی دیگری در میان نباشد ، عناصر ملی و مترقی **موظفند** در داخل آنها کار و مبارزه کنند ، وگرنه درغیر آن بیم آن میرود که این اشخاص صرفاً به افراد یاوه‌سرائی مبدل شوند .

تجربه پیشآهنگترین حزب طبقهٔ کارگر نشان میدهد که شرکت در پارلمان های ارتجاعی نیمه فئودالی وبورژوائی و «حتی ضد انقلابی ترین پارلمان‌ها» نه تنها به نیرو های پیشرو ضرری نمیرساند ، بلکه شرایطی را برای آنها تدارك‌میبینند که بتوانند به خلق **ثابت نمایند** که چراچنین پارلمان های ارتجاعی مربوط به طبقهٔ حاکمه باید به‌شورای واقعی خلق تعویض گردند . این‌ادعا که گویا فرکسیونهای جناح چپ واقعی و پیگیر ودیگر فرکسیونهای ملی ومترقی و دموکراتیك مخالف (اپوزیسیون) هیأت حاکمه‌درپارلمان، امر تعویض پارلمان ارتجاعی را به شورای واقعی مردم دشوار میسازد، از لحاظ تجربه غلط ثابت شده‌است. این مدعیان تجارب گرانبهائی را از یاد برده‌اند که در جنبش انقلابی درآمیختن فعالیت توده‌ای در خارج پارلمان ارتجاعی باداشتن‌اپوزیسیون پیشرو و هوا خواه جنبش در داخل پارلمان ، چه فوائد خاصی دارد و چه نقش موثری را در تکامل‌نهضت انقلابی ایفاء میکند .

درکشورهای کم رشد و سرمایه‌داری پیشرفته‌غالباً پارلمان‌موردسوء استفادهٔ وحشیانه طبقات حاکمه و سیاست تجاوز کارانه امپریالیزم قرار میگیرد و بهمین جهت مورد تنفر واقع میشود . در کشورمانیز پارلمان (شوری) بدتر از حکومت‌ها و بمثابه وسیله حکومتهای مطلقه همیشه آلهٔ فشار ارتجاع ونیروهای ماورای دست راستی بوده است . ولی مبارزه نکردن و تسلیم شدن به این روحیه «نه‌تنها نابخردانه بلکه صرفاً تبهکارانه است» .

باید خاطر نشان گردد که نادیده گرفتن دشواری‌های استفاده ازپارلمان‌های ارتجاعی‌برای مقاصدانقلابی ویاردآن برای اینکه دشوار است ، کودکی به تمام معناست . «...ابراز انقلابیگری تنها بکمك دشنام دادن به اپورتونیزم پارلمانی و تنهابانفی شرکت در پارلمانها کاریست‌بسیار سهل ، ولی همانا بدآنجهت که این عمل بسیار سهل است ، نمیتوان آنرا راه حل یك مسألهٔ دشواروبسیار دشوار شمرد.»

موجز اینکه : از لحاظ پرنسیپ تمام عناصر پیشرو ترقیخواه ، در پارلمانهای ارتجاعی اشتراك‌میورزند تاازین موسسه سراسر پوسیده‌تیپ بورژوازی و نیمه فئودالی استفاده کنند و فریب و تزویر پارلمانی را افشأ نمایند .

درشرایطیکه هنوز قدرت ازمیان برداشتن پارلمان بورژوازی در دست نیست . باید علیه فساد آن هم از درون وهم از برون فعالانه مبارزه کرد . تاوقتیکه خلق ودر رأس آن طبقه کارگر قادر نیستند حکومت خودرا ایجاد کنندو دریك انتخابات کاملا دموکراتیك علیه طبقات حاکمه رأی دهند ، تاوقتیکه قدرت سیاسی در دست ملاکین فئودال وبورژوازی وتمام متنفذین و مرتجعین قراردارد که میتوانند طبقات مختلف مردم را ازطریق تطمیع و تهدید به نفع خود درحوزه‌های انتخاباتی سوق دهند ویاقانون انتخابات رابه نفع خود بگردانند، وظیفه‌ماست تااز انتخابات پارلمانی بمنظور پیشبرد تبلیغات وسیع در میان خلق و بیداری خلق استفاده کنیم .

استفاده از موسسهٔ پارلمان ، ازین موسسه ایکه بحیث نمایندهٔ مردم نشان داده میشود ودر حقیقت بطور کلی وسیله ایست در دست ثروتمندان و متنفذین و مرتجعین ، وظیفه حتمی عناصر پیشروترقیخواه است، تا از ین طریق **(ضمن طرق دیگر مبارزه)** بتوان روش‌ستمگرانهٔ ملاکین بزرگ را در برابر دهقانان تهیدست،ملاکان بورژوا، بیروکرات را دربرابر زحمتکشان ، کارفرمایان وسر مایه داران‌را در برابرکارگران، استبداد حکومت و دسایس امپریالیزم را دربرابر خلق افشاء کرد. زیرا باید در نظر داشت که گروه‌های مختلف طبقات حاکمه نسبت‌به هرموسسهٔ دیگر در پارلمان بهتر متشکل میشوند و چهرهٔ شان روشنتر ظاهر میگردد . بهمین‌جهت است که در انتقاد علیه چپ روان و انقلا بیگرانی که شرکت در مبا رزهٔ انتخاباتی‌وپارلمانی‌را تحریم‌میگردند، چنین گفته شده است که : « هدف انتقاد ـ و آنهم شدید ترین و بی‌امانترین و آشتی ناپذیر ترین انتقاد ها ـ پارلمانتریزم یافعالیت پارلمانی نبوده ، بلکه باید آن پیشوایانی باشند که نمیتوانند ـ و ازآنهم بیشتر کسانی باشند که نمیخواهند ـ از انتخابات پارلمانی‌و تریبون پارلمانی بشیوهٔ انقلابی استفاده نمایند . فقط چنین انتقادی‌که البته با اخراج رهبران نالایق وتعویض آنان با رهبران لایق توأم باشد ـ یك کار انقلابی مفید وثمربخش خواهد بود که در عین حال هم «پیشوایان» را تربیت خواهدکرد تاآنکه شایستهٔ طبقهٔ کار گر وتوده‌های زحمتکش باشند و هم توده‌هارا تربیت خواهد نمود تاآنکه بتوانند از اوضاع سیاسی سر در آورند و وظائفی را که ازین اوضاع ناشی میشود و غالباً بسیار بغرنج‌وپیچیده است، درك نمایند .»

در خاتمه این بخش بصورت خلاصه باید خاطرنشان ساخت که :

اصولا مبارزه پارلمانی شکلی از مبارزه طبقاتی و سیاسی طبقهٔ کارگر وحزب آنست که ضمن اشکال دیگر مبارزه ، در اوضاع و احوال لازم‌از آن بغرض مقاصد ذیل استفاده **میگردد :**

ـــ افشای سیاست های ضدملی وضد خلقی مقامات حاکمه و افشای ماهیت ارتجاع و امپریالیزم ،

ـــ سعی در فرستادن نمایندگان واقعی خلق به پارلمان ، بغرض استفاده از کرسی پارلمان برای‌بیان خواستهای دموکراتیك توده های وسیع مردم و پیشبرد پروگرام انقلابی ،

ـــ دفاع از حقوق زحمتکشان ، استقلال و آزادی .

ـــ مبارزه در راه‌تشکیل‌فرکسیون انقلابی وپیشآهنگ زحمتکشان، در راه افزایش تعداد نمایندگان‌خلق در پارلمان و جلوگیری از تبدیل‌پارلمان به‌یك موسسه نوع فاشیزم و افزار مطلق ستمگری حکومت های مطلقه.

ـــ مبارزه برای آزادی انتخابات بخاطر حفظ و تعمیق هرچه بیشتر دموکراسی و بسیج مردم از طریق پیشبرد مبارزه توده‌ای دامنه‌دارخارج پارلمانی و مبارزه داخل پارلمانی بغرض درهم‌شکستن‌مقاومت‌نیروهای ارتجاعی و ضدملی وضددموکراتیك.

(باقی‌دارد)

نوراحمد

له«سرکار»سره

دخلکو مرسته امکان نلری

له ډیرو کلو را په دیخوا ، دافغانستان حکومتونه همدا ناری وهی چه ولی ملت له حکو متو نو سره همکاری نه کوی ! په دی‌توگه په وروستیو کلونو کی دحاکمه مقا ماتو په ډیرو وینا وو اونطقو نو کی پرله پسی له ملت نه په غولونکی توگه دمرستو غوښتنی شویدی . گواکی دوی له خلکو نه غوښتنی دی چه پخپل چور او چپاول کی له دوی سره مرسته وکړی او هغه ټول تضادونه او اختلافو نه نفی کړی چه دطرفینو تر مینځ شته دی . مگر واقعیت دادی‌چه په هیوادکی‌موجوده استبداد او اتوکراسی ، دخلکو او ضد خلکی او ضد دموکرا تیکو حکومتو تر مینځ ، ماهیتاً دهر راز «همکاری» خنډ دی . دافغانستان دخلکو او حاکمه مقا ماتو تر مینځ بعد او فاصله ورځ تر ورځی زیاتیدونکی ده .

دافغانستان زیار ایستونکی‌خلك په اجتماعی اواقتصادی لحاظ ،داسی دنیستی او ماتی کوهیو ته لوید لی دی چه خپل ټول اعتماد یی دافغانستان په حکو متو نو با یللی او عقیده لری چه دا راز حکومتو نه ددوی له زر گونو دردو څخه دیو ه دواهم نشی کولای . دهیواد دخلکو ستر اکثریت څه په ښارونو اوڅه په کلو کی همدااوس اوس په ډیر بد و شرایطواونهائی فقر اوذلت‌کی ژوند تیروی.

هغوی له پوهنی او روغتیا نه محروم دی او دژوند ډیر لومړنی وسا یل نلری . هغوی ډوډی نلری ، جا مې نلری ، کور نلری او دخپلو بچیا نو لپاره دمستقبل هیڅ تضمین نه‌وینی.

دافغانستان خلك دا حکومتو نه هیڅکله دداسی قدر تو نو په حیث‌نه پیژنی چه کولای شی دخلکو د ـ هوسایني لپاره کار وکړی او یا دهغوی ډیری کوچنی اړتیا وی‌رفع کاندی . بلکه بر عکس دافغانستا ن دخلکو اکثریت ، حکومت ته دیو ی ربړونکی وسیلی په سترگه گوری‌چه تل تر تله دیوی کوچنی او استثمارونکی ظالمی طبقی په گټه خلك شکوی او ربړوی یی .

کله چه دکلیو ربړ گالو نکو ته (چه دافغانستان دخلکو قاطع‌اکثریت دی) دحکومت « سرکار» نوم واخیستل شی هغوی سمد ستی‌دیوه حاکم ، دیوه قاضی ، دیوه پو لیس دقوماندان او دمالیی دیوه ما مور په باب کښی فکر کوی او ور پسی داسی رو حی تداعی ورته پیدا کیږی چه یوه یی اقرارپس شا ثبت کړی ، هغه بل وهلی او ټوکلی دی ، دریم رشوت خنی وړی او څلرم یی ځمکه دلوی زمین دار په ځمکه ور گډه کړیده . ور پسی یی په ذهن کی دمحلی پو لیسو شلاقی ، دتحر یر دکاتبانو قلمانه ، تحقیرونه، کنځلی ټیل وهل او . . . راوگرزی او له غصی نه یی ستونی وپړسیږی .

یوه ورځ ما پخپله دافغانستان په یوه ولایت کی‌له یوه بزگرنه‌دحکومت دتشکیلاتو دپراختیاد څرنگوا لی‌په باره کښی پوښتنه وکړه ، هغه ځواب راکړ چه : « . . . دما مورانو زیاتوالی زموږ پیټی لا درو ند کړی دی. پخوا یی لا هم له جغا ته وتلای نشوو خو اوس ډیر را باندی زیات شویدی .»

دپولیسو اداری چه په متر قی ټولنو کی دخلکو دامنیت چاری پرمخ بیایی ، زموږ په هیواد کی درعب او ویری دسمبول‌حیثیت‌لری ،څارنوالی دولسوالیو په لاس‌کی لایوه بله نوی وسیله ده چه دمحلی محا کمو په مرسته‌کولای‌شی د زیارایستونکو اوبی دفاع خلکو لپاره هر راز ناوړه دوسیی ترتیب کړی او دزندانو نو کیلی ته یی ور پوری وهی .

هیڅکله دافغانستان دخلکو لـه زیار ایستونکی اکثریت سره ددولت دی ما مورانو عدالت ندی کړی .زړه یی ندی پی سوی اوددظالموا‌ستثمارچیانو په مقابل کی یی ندی حمایه کړی، ددوی لوږی او بر بنډتیاته یی ندی کتلی.

ددوی دزړه دردونو ته یی غوږ ندی ایښی، ددوی‌په بچیانو او(تورسرو) باندی یی رحم ندی کړی .

نو څنگه کیدی شی چه دداسی شرایطو او منا سباتو باو جود لـه خلکو نه دمرستی غوښتنه وشی اویا دا غوښتنه عملی او ممکنه شی .

که چیری هغوی دا څرگند او معلوم اختلاف چه دخلکو او حاکمه دستگاه تر مینځ دمرستی هر راز امکان نفی کوی په نظرکی نه نیسی او دافغانستان حاکمه دستگاه خپل ټول تور او خیرن سوابق هیرکړ ی وی نو دخلکو پـه حافظه کی ټول ژوندی دی او هغوی ښه پوهیږی چه دوری او لیوه همکاری ممکنه نه ده.

(از صفحه او ل)

الجزایر راه سوسیالیزم را...

آزادیبخش ملی و جنبش انقلابی جهانی طبقهٔ کارگر همیشه حفظ و دوستی خودرا با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای‌سوسیالیستی‌پیوسته تقو یت بخشد. ما اعلان می نمائیم که الجزایرهرگز انتخاب‌راه سوسیالیستی‌خودرا ترك نخواهد گفت، ولو دراین راه بامشکلات زیادی مواجه گردد . الجزایر جز راه مترقی دیگر راه ندارد .

بومدین گفت : ما از مبارزه قهرمانانهٔ خلق ویتنام کاملا پشتیبانی می‌نمائیم . ما اعلان می‌کنیم که باید مدیترانه بحیرهٔ صلح باشد . برای این منظور باید اردوی نمبر ٦ بحری امریکا مدیترانه راترك گوید و تمام پایگاه‌های نظامی امریکا وناتو از هسپانیه ، ایتالیه ، یونان و ترکیه برچیده شلود .

او افزود : من عمیقاً معتقدم که مناسبات ما با اتحاد شوروی خوب است و هرچه درتوان داریم در راه تقویت مزید این روابط که براساس احترام متقابل ، عدم مداخله در امور داخلی یك‌دیگر استوار است ، دریغ نخواهیم کرد.

چرا از تورید فلمهای گمراه کننده جلو گیری نمیشود؟

فلم هائی‌که در افغانستان واردودرسینما های معدود وبی‌نظم کشوردر معرض نمایش گذاشته میشود، معمولا ازنوع فلم هائیست‌که بغرض‌تجارت تهیه گردیده اند وجوانب‌مثبت وآموزندهٔ آنها ضعیف است‌که در ذیل مختصراً تحت چند کتگوری‌به ارزیابی آنها می‌پردازیم :

فلم های امریکائی وسایر کشورهای امپریالیستی :

درین کشور ها بطور عمو می‌مطمح نظر تهیه کنندگان فلم سودوتجارت است وبطور آگاهانه تلاش میگردد که ذهن بینندگان درمسیرخاص انحرافی سوق گردد .

تعداد زیادی ازفلم های‌غیراخلاقی، پولیسی وانحراف دهنده‌که درامریکابدستور ومشورهٔ‌سازمانهای‌جاسوسی و تبلیغاتی بورژوازی تهیه میگردد،وارد کشور ما گردیده ونمایش داده‌میشود که تما شای چنین فلم ها بر اذهان مردم اثرات نا مطلوبی‌بجا میگذارد. این فلم‌ها تعلیم‌دهندهٔ‌اعمال کاوبائی‌وماجراجوئی‌های‌خیالی، به اضافه مفاسد اخلاقی استند ،(باحفظ استثنآآت‌که بعضی ازفلم‌های‌غربی نیز بالنسبه ارزنده وانسانی است) که ازیکسو فاقد ارز شهای‌هنرواقعی بوده واز سوی دیگر عقایدپوچی را تبلیغ مینمایند که چون مرض مد حشی دامنگیر جوانان‌میشود .

آندره مور وامنقد و نو یسنده فرانسوی در بارهٔ سینمای امریکا میگوید: «درامریکا اصلا فلم بمعنی حقیقی آن وجود ندارد واز هنرواقعی وحقیقت زندگی در هنر امریکائی خبری نیست!»

فلم های هندی :

فلم های هندی از نخستین روز هائی‌که به افغانستان وارد شد، تحت رهنمائی های امپر یا لیزم انگلستان ودو ستان هندی شان هدفی جز خیالبافی، بطالت و منحرف ساختن خلقهای افغانستان، مانند خلقهای‌نیم قارهٔ هند ومردم‌کشورهای دیگر، نداشتند . نمایش فلم های مبتذل وتجارتی هندی مشوق‌ولگردی وهرزگی شده وکوچه ها وبازار ها مبدل‌به صحنه های‌مسخره تقلیدازآن گردیده است .

قسمت اعظم فلم های هندی یاددهنده‌تسلیم بتصادفات، دست‌کشیدن ازدنیا، عشقها ی افلاطونی وافیون مانندی است که‌از هیرو ئین هم خطرناکتر میباشد. دراغلب فلم های هندی از حقایق زندگی خبری‌نیست ودربرخی از آنها مسایل اجتماعی طوری طرح میگردد که پایه های استثمار واستعماررا مستحکم‌گرداند. آن عدهٔ محدود فلم های پر ارزش ومترقی هندی‌که بابعضی‌ازگوشه‌های زندگی واقعبینانه تماس‌کرده باشند، یااجازهٔ ورود آنها داده نمیشود ویا قسمت های مفیدی از آنها قطع می‌گردد .

اکثر استودیو های فلمبرداری در هند بدست سرما یه داران بزرگ قرار دارد که باکمپنی‌های فلمبرداری امریکا وسایرکشورهای سرمایه‌داری شریك بوده یاهمبستگی دارند .

فلم های ایرانی :

باوارد شدن فلم های ایرانی در افغانستان کاری راکه فلم های‌هندی آغازکرده بود، تکمیل‌شد. این فلم‌ها نظر‌به مشترك بودن زبان،فجایعی را بار میآوردکه فلم های هندی هم به پایهٔ آن نمیرسد .

اغلب فلم های ایرانی که حتی به اعتراف مطبوعات مربوط به محافل حاکمهٔ ایران نیز، درضمن اینکه معلم هرزگی ورسوائی استند به دستور و مشورهٔ محافل حاکمهٔ ارتجاعی وارتباط با محافل امپریالیستی، موضوع دهقان وارباب یا کار گر وکار فرما، این‌قطب‌های آشتی‌ناپذیررا طرح میکنند . گردانندگان سینمای ایران خوب میدانند که امروزه این نکات، دردهای‌مرکزی خلقهاوتوده‌هارا تشکیل میدهد ؛ بنابرین به شکل خیلی مضحك‌وغیرحقیقی این‌مسائل‌را غرض تسکین وفریب مردم ، حفظ وضع موجود ودفاع ازآن طرح ودر اخیر تضاد های آشتی ناپذیر را بزعم خود بطور اتفاقی و مصنوعی آشتی داده و این تناقضات را ماست مالی میکنند .

مطبوعات حکومتی افغانستان به تقلید از مطبوعات ونشرات‌مبتذل وتجارتی سرمایه داری و دولتهای دیگری که گمراهی مردم را وظیفهٔ خویش قرار داده اند، درامر اشاعهٔ مبتذلات چنین فلم ها همکاری دارند. صفحات روز نامه ها ومجلات‌پراست ازمطالب سینمای سرمایه داری، که سرمشق اینهابیشتر مجلات‌ونشرات فریبنده و ارتجاعی مربوط به محافل حاکمه ارتجاعی و وابسته ایران است . این نشرات باعث میشود که بی‌هنران و آنانیکه بازیچه های دست منفعت طلبان استند، بصورت هنرمندان واقعی وقهرمانان، دراذهان عامه جای‌بگیرند ودر نتیجه مطالب و موضوعات غیر واقعی وگمراه کننده ئی راکه درلابلای این فلم ها پرورانده شده، موجه ومفید جلوه دهند .

درینجا لازم است چند کلمه‌راجع به‌سانسور فلم ها نیز صحبت شود: هموطنان ما میدانند که اولا از ورود فلم های خلاق مترقی و انسانی وتربیتی که نه بخاطر تجارت، بلکه بمنظور بیداری وانتباه مردم تهیه میگردد ونمایانندهٔ هنر واقعی‌وخلقی است، بشکل تبعیض‌آمیزی جلوگیری میشود، ثانیاً بعضی از فلم های خوبی‌که تاپشت دروازه های‌سانسور میرسند، سانسور کنندگان یا آنهارا رد ویاطوری قیچی میزنند که ارتباط و ماهیت واقعی خودرا از دست میدهند .

ازآنجائیکه درافغانستان ازیکطرف تا کنون یک گام مثبت وموثر هم در راه تهیه فلم و صنعت فلم برداری برداشته نشده است واز سوی دیگر بشیوهٔ غیر دموکراتیك بمنظور جلوگیری از رشد شعور وبیداری مردم بخصوص جوانان از ورود فلم های مترقی وانسانی‌جلو گیری بعمل‌میآید ،لهذا لازم است که درشرایط کنونی نیز درراه تورید آن فلم های علمی‌مترقی و هنری خلقی که روحیهٔ صلح، وطنپرستی وآزادی و انساندوستی مترقی را در جوانان بیدار میسازد وبرای سانسور (بمعنی واقعی آن) فلم های گمراه کننده ووسوسه‌آمیز، مبارزه صورت گیرد .

م.ا. مبین فدا محشور

دپکتیا دکیمیاوی مصنوعاتو مؤسسه له‌سختو مشکلاتو سره مخامخ شوی‌ده

قاچاق بران او دلال سوداگر د ملی صنائعو دانکشاف ستر دښمنان دی

د پکتیا د کیمیاوی مصنوعاتو‌مؤسسی مشرمونږته یولیك‌رااستولی‌اوپه هغه‌کی‌یی لیکلی دی: «ماچه‌دقلم درنگونو، دټاپی‌درنگونو، دبوټ‌درنگ‌دصابونونو، دسر د غوړی، دکریمودواسلینو، دعطرونو اوهمدارازدنورو کیمیاوی موادو دجوړولو په موردکی‌نظری اوعملی‌تحصیل کړیدی،څه‌موده‌پخوامی تصمیم ونیوچه د داخلی صنائعو دتقویی اوله ملی اقتصادسره‌دمرستی په غرض دذکر شویوموادودجوړولو لپاره براخ فعالیت وکړم. هماغه وچه موږ اصولی مراحل‌طی کړل او زمونږ د مؤسسی‌د مصنوعاتو نمونی د پوهنتون دلابراتوارونو له خوا تایید او ومنل‌شوی .

اوس چه موږ له هری خوانه په‌پوره‌اوعتبار ییسی راټولی کړی اوزیات‌کیمیاوی مواد مو استحصال کړل ددولتی مقاماتو له نه حمایی اوددلالو‌سوداگرو او قاچاق چیانو له فشارسره مخامخ شوی یو. دلال سوداگر دخارجی اسعارو دتأدیی په مقابل کی‌له خارجی هیوادونو څخه کیمیاوی‌مواد واردوی او دهغوی دورواجولو لپاره دغولونکو اعلانونو لمنی ته‌لاس وراچوی. دا اعلانونه‌اکثرددولت‌له رادیو، دولتی اخبارونو اوشخصی اخبارونو څخه خپر یږی او داطبیعی خبره ده چه موږ نشوکولای‌له خارجی کمپنیو سره داعلاناتو په خپرولو کی سیالی وکړو. له همدی کبله زموږ استحصالی مواد چه پخپل نوعیت‌کی له خارجی موادو څخه ښه دی بازار نلری او له ماتی سره مخا مخ شویدی...»

پرچم: لکه چه موږ ځو ځو ځله ویلی دی. ترڅو دقاچاق مخه‌ونه‌نیول شی او ترڅو خارجی تجارت ملی نشی اوترڅو دداخلی صنائعودحمایی لپاره گمرکی حمایه او نوری‌مرستی مینځ‌ته رانشی، هیڅکله به داخلی صنائع له امپر یالستی انحصاراتو سره د مقابلی توان پیدا نکړی او هیڅکله به داهیله پیدا نشی‌چه‌داخلی صنائع دی وده وکړی .

همدا اوس دقاچاقی مالونو داسی سیلاب را روان دی چه زموږ د ملی صنائعو دانکشاف امکانات یی بالکل شنډ کړیدی. دنورو کراتانو سکوت اودحکومت بیحالی په ښکاره ښیی چه ستر مامورین اولوی ارتجاعی قوتونه په افغانستان کی له قاچاق اودلالو سوداگرو سره مرسته کوی اوپخپله ددی مفسد جریان په گټو کی شریك دی .

پرچم پدی برخه‌کی هیله کوی چه دهیواد ټول ملی اومترقی قوتونه دی دملی اقتصاد دایجادولو اوحمایی په منظور له قاچاق او دهغو ضروری استهلاکی مالونو له واردیدلو سره چه په افغانستان کی یی د تولید امکانات شته دی گډه او پیاوړی مبارزه وکړی .

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

دغوری سیند دخلکو ژوند تهدیدوی

تیرکال د (بغلان سیند) چه‌دغوری‌سیندیی هم بولی، دغوری په زراعتی‌سیمه‌کی دساقی،وزغری، چشمهٔ‌شیر، شهاب‌الدین ،کتب خان،وزیر آباد، جبار اوباغ شمال دکلیو په سل‌هاووجریبه آباده زراعتی ځمکه یی یووړه‌اوپه لس هاوو بیوزله بزگران یی‌بی‌کوره کړل .

دحکومت رادیو او اخبارونو هم‌په هغه وخت‌کی ددی آفت خبرونه‌خپاره کړل اوتش دخبرو همدردی‌یی‌وښودله، خوپه عمل‌کی یی له‌بی‌وسه اوتباه شو یو بزگرانو سره هیڅ‌مرسته هم ونکړه. خلکو ځو ځوځلی‌حکومت ته مراجعه وکړه چه که نورڅه نشی کولی کم ترکمه څوبلدوزره خودی ورکړی چه هغوی خپلی ویالی‌دسیند له منگولو څخه وساتی، مگرهیچا ددی بزگرانو چیغو اونارو ته‌غوږ ونه نیو .

نتیجه داشوه چه سږبیره پردی‌چه‌یوه برخه ځمکی اوځینی کورونه‌اوبو یوړل هغه زراعتی ځمکی هم وچی‌پاتی شوی او فصلونه یی وسول‌چه دسیند اوبویی سربندونه وړی وو .

سږ کال‌چه د غرونو او سردروخیتیی له واورو ډکی شویدی. احتمال‌شته دی چه ترپروسږ کال لازیاتی‌دسیند اوبه پورته شی اوسیند مجرا ډیر ز یات انحرا ف پیدا کړی‌که سږله اوسه د حکومت مسؤول‌مقامات اقدامات‌ونکړی اودپروسږ کال‌غوندی سکوت وکړی، نوی تباهی اوبربادی به راپیداشی او خلك‌به هیڅکله ددی غفلت په وجه‌حکومت‌او مسؤول کسان ونه بخښی .

دادی دغوری ددی سیمی خلك‌په‌علانیه ناری وهی‌چه: «موږسیندوړی،باید ذی ناروته، جدی پاملرنه وشی.

(بسیم)

شرکت‌ها، پخته کاران خلم‌را

استثمار میکنند

روشن است‌که‌توده‌عظیم دهقانان‌بزرگترین تولید کنندگان‌نعمات مادی واکثریت نفوس کشورما را تشکیل‌میدهند .

بد بختانه این طبقه محنت‌کش‌درسرا سر و طن ، از روز گاری تحت شرائطفیودالی،زندگی پرمشقت‌ورقتباری بسر میبرند .

ازده‌ها سال‌به‌اینسو که سرمایه‌داری تجاری در کشور رشد کرده ، فشار تا جران دلال بزرگ نیز برفشار مرگبار نظام(بیگ وخان) که زحمتکشانرا عذاب میدهد ، افزون‌گردیده است .

دهقانان زحمتکش خلم که با جان‌کنی‌های بی‌پایان یك مقدار پخته را تولید میکنند، مجبورند آنرا به‌نما یند گیهای شر کت‌های پخته که درخلم مصروف‌فعالیتند عرضه‌نمایند. این شر کت‌ها از احتیاج وخوش قلبی دهقانان استفاده‌نموده‌درمقابل پخته آماده و حاضر ،بجای پول نقد سند رو با هی رابنام(قوچان) به آنان میدهند وبا چهره حق‌بجانب با یشان میگو یند :

«پول نداریم !»، بعدازین پخته را بخارج صادرمی کنندودرمقابل‌اجناس وکالای دیگری وا ردمی‌نما یند ،کالا رادر باز ار آب می کنند وبعدمیروند پول دهقانان ستمزده را پس از شش ماه می پردازند .

بسیار ند دهقانان بیچاره ایکه از فشا ر تهی دستی و فقر کشنده مجبورمی شوند (قو چان) خود رابه نصف قیمت ویا کمتر از آن دربازار سیاه بفرو شندورفع‌ضرورت‌نمایند.

حکومت نیز این روش ظالمانهٔ شرکت‌ها را می بیند وبااغماض‌و سکوت رفیقانه، بمهکاری بیصدای خود با سرما یه داران میدهد .

اینست طرز العمل دستگاه‌حاکمه فیودالی در برابر دهقانان تهید ست ومو لدین وطن ما !

دهقانان خلم به این شیوه داد وستد استثماری اعترا ض میکنند وهر چه زود تر تغییر اینوضع رامی خواهند .

(پ. خ)

دهقانان اشکمش درمعرض

ستم اربا بان محلی

دردهات ما متنفذینی وجود دارند که‌همواره دست ظلم و تجاوز شان بسوی ما دراز بوده است. آنان بارادهٔ‌خودمردم بیچاره ودهقانان را چوب میزنندودختران ایشانرابارادهٔ خود بهر کسیکه‌خواسته باشند به زنی میدهند .

همین آلان در قشلاقهای‌ما مرد مقتدری وجود دارد که‌دو زن شو هر دارو بیگانه‌را بدون‌کو چکترین‌استناد قانونی وشرعی بعنوان خدمه نزد خودنگهداشته وچون شوهران‌ایشان مردم‌غریب وبیچاره استندوحکومت نیزمعمولا (طبق خصلت طبقاتی‌خود) دهقانان رادر برابر میرها و خوانین حمایه نمی کند،فلهذا زنان ایشان همچنان بز بر دستی‌از ایشان دور نگهداشته شده‌اند .

درسال ۱۳٤٦ میرها و ارباب ما بهمدستی حکومت محلی اشکمش پول بسیار فراوانی به‌بهانهٔ تعمیر مکتب از اهالی جمع آوری کردند ودر نتیجه یکربع آنرادرتعمیر مکتب مصرف ومتباقی را بین خود تقسیم نمودند .

متنفذین مذکور بسااوقات حوادثی را بین‌مردم ایجاد میکنند ، با ین معنی که دهقانان زحمت کش وپاك دل را علیه یکدیگر تحریك‌نموده یکی‌را برضددیگری‌استعمال‌مینمایند. وقتیکه حادثه‌ایجاد میشود اختیارهردوطرف‌رابدست میگیرند. مثلا یکی را می گویند تو باید مبلغ چهار هزار افغانی بدهی وآن دیگر رامی گویند توباید مدت یکماه‌برایمن قلبه کنی ، در غیر آن مجبورم هردوی تانرا بحکومت معرفی کنم که تازنده باشید از حبس خلاص نشوید .

چون دهقانان به تجربه دریافته‌اند که‌ارباب ومتنفذان محلی هر چه بسر شان بیاورند می توانند،فلهذا بفیصله‌های ظالمانه ایشان تن در میدهند وبا نقیاد ننگین پابند می مانند.

از پرچم ناشراندیشه‌های دموکراتیك خلق افغانستان تمنا میکنم تابخاطرخدمت به‌خلق ستمکش اشکمش این یادداشت مراکه بنمایندگی اهالی قریه‌های کوکه بلاق و کولای قشلاق اشکمش مربوط ولایت تخار تحریر یافته نشر فرمایند .

ع،ل،ش.

ماموران قوماندانی حفظ ومراقبت سرك (کابل- کندهار) دریوران‌را لت وکوب کردند

بجریدهٔ پرچم خلق افغانستان! عده‌ئی ازکاریگران مزد بگیر که در بستردریای چمچه‌مست ، درموترهای ریگ کش انفرادی ریگ‌پر میکردند، از طرف قوماندانی حفظ و مراقبت سرك (کابل ـ کندهار) از ادامهٔ کار منع کرده شدند . ولی چون‌دریوران وکار گران دلیل قانونی خواستند ومنع کنندگان نتوانستند چنین دلیلی اقامه‌دارند ، دریوران‌ومزدوران زحمتکش کار شانرا ادامه‌دادند.

دوروزبعدازین واقعه یکی‌ازماموران حفظ ومراقبت، کاررا قهراً دربستر دریای‌چمچه‌مست منع ودو دریور را بیدریغ لت وکوب کرد. چون این عمل خلاف قانون و ضد کرامت انسانی است وآن کاریگران ازکار مانده، هیچ وسیله ئی برای احقاق حق‌شان ندارند، ازشما، پرچم‌دار دموکراتیك خلق افغانستان تقاضا میکنیم‌تا فریاد اعتراض ما را علیه این زور گویی و تجاوزبلندکرده وباین وسیله صاحبان قدرت راکه‌بر حقوق ما فشار می آورند محکوم سازید .

ع.س. کاشفی

دعربی‌ورونو په نوم

دنورستان دخلکو بسپنه‌ضائع‌شویده

د عربی ورونو سره د مرستی په‌نامه د نورستان له‌خلکو څخه یولك او نوی زره افغانی‌راټو لی شوی‌وی. دکامدیش ولسوا لی دغه پیسی دحکومت دودا نی په پلمه و لگو لی (!)، یعنی هغسی‌چه‌دا ر ا ز پیسی نوری و لسوا لی لگوی .

کله چه نورستا نی و روڼه پدی خبرشول‌چه‌داپیسی‌عربی‌مجاهدینوته نه رسیږی ، ولسوا لی ته یی عرض وکړ چه دا غولوی شوی پیسی دی دیوه منځنی ښوو نځی په‌ودا نی ولگیږی ، مگر هغه پیسی خو بیا نه را ژوندی کیدی. نو څکه همدا اوس لگیادی او د نورستان له غر یبو خلکونه نوری پیسی را ټو لوی .

(م. نورستانی)

اعتراف صریح بروضع تأسف آور ورزش و ورز شکاران در کشور

در شمارهٔ پنجاه ودوم پرچم‌تذکری زیر عنوان «وضع تأسف‌آور ورزش وورزشکاران‌درکشورما»منتشر گردید. انعکاس فوری این تذکر اعتراف صریح‌یکی ازمسؤولین‌باسابقه امور به اصطلاح ورزش‌کشور، بناغلی ف. سراج حکم‌بین المللی میباشد .

وی‌مینویسد: «... ازروی انصاف‌وحقیقت در صفحه پرچم برای‌باراول‌پس از سالهای درازنویسنده محترم‌بناغلی حشمت‌کیهانی با حق بینی وسنجش می نویسد که پس ما نی‌های مانتیجه وضع اقتصادی ـاجتماعی وعدم‌توجه‌چندین‌ساله است‌که در همه چیز از دیگران عقب مانده ایم ودر هیچ یك از شئون‌اجتماعی‌نه‌برتری بلکه برابری هم باسیاری کشور ها ی‌دنیا نداریم . اگر چند نفر پهلوان بیچاره ما به صد خون جگر وزحمت از بالاخانه‌لرزان واطاق چایخانه ویران‌وسرای‌کرائی برون آمده ودر دنیا پنجم‌نمره ودرممالك شر قی سوم نمره میشوند ، البته اعجاز است .»موصوف سپس اضا فه مینما ید : « .. .مانند نویسندهٔ محترم قضاوت‌نمائید که اصلاح وضع تأسف آور ورزش کار آسان وساده وساختهٔ یك موسسه نیست .»

بناغلی ف. سراج با این جمله‌نامهٔ خودرا پایان میدهد : « عقده دل‌مارا نویسنده محترم خلاص‌کرد که‌پیشرفت ورزش و بهبود آن‌ساخته کدام مقام است » .